



Research Paper

An Analysis of the Stones of the Islamic Era of Onar Meshkinshahr Cemetery (Northwest Iran)

Saeid Sattarnejhad^{*1}, Tayybeh Hoseinpoorderakhshesh²¹ University of Mohaghegh Ardabili² University of Mohaghegh Ardabili

10.22080/JIAR.2021.21360.1003

Received:

Jsn/15/2024

Revised:

Apr/04/2025

Accepted:

Sep /05/2025

Keywords:

Northwest of Iran, Onar Cemetery, raised stone, Islamic era, culture of Turkish ethnic groups.

Abstract

The architectural structure of tombs and its related elements is a reflection of the ritual-worship beliefs of human societies. Attention to these cultural evidences can be in better understanding the religious-religious, social, ethnic situation of the designers of these works. The northwestern region of Iran has historically had a variety of tombs and tombstones due to the existence of different cultures and ethnicities. During the Islamic era, especially after the Islamic Middle Ages, tombstones in various shapes were created in this region, one of the most important of which is the raised stone. To date, researchers have not conducted comprehensive studies on these cultural artifacts and have proposed various hypotheses about the reason for the formation of this type of tombstone. Accordingly, in the present study, the authors try to answer the following questions logically in a descriptive-comparative and analytical manner based on field and library studies. -1- The etymological roots of the tombstones of the Islamic era cemetery in Onar village go back to which areas? 2- What are the meanings of the appearance and decorative elements of the pomegranate stones? The results show that the rocks of the Islamic period in the village of Onar were influenced by human-shaped stone figures of Central Asia that entered the culture of northwestern Iran in the Middle Ages. Other research results indicate that; These works have undergone significant changes under the influence of the teachings of Islam on the denial of formality, and at the same time show evidence of the Shiite religion.

***Corresponding Author:** Saeid Sattarnejhad**Address:** University of Mohaghegh Ardabili**Email:** saeidsattarnejad@yahoo.com**Tel:** 09148289512



نوع مقاله: پژوهشی

تحلیلی بر سنگ‌افراشته‌های دوران اسلامی گورستان اونار مشگین‌شهر (شمال غرب ایران)

سعید ستارنژاد^{*}، طیبه حسین پور درخشش^۲

^۱ دانشجوی دکترا، گروه باستان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی
^۲ دانشجوی دکترا، گروه باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی



10.22080/JIAR.2021.21360.1003

چکیده

ساختار معماری گورها و عناصر مرتبط با آن، بازتاب باورهای آیینی - عبادی جوامع انسانی است. دقت در این شواهد فرهنگی، می‌تواند در شناخت بهتر، از وضعیت دینی - مذهبی، اجتماعی و قومی منطقه مورد مطالعه کمک شایانی داشته باشد. منطقه شمال غرب ایران در طول تاریخ به دلیل وجود فرهنگ‌ها و اقوام مختلف، تنوعی از قبور و سنگ‌قبرها را دارد. در دوران اسلامی به‌خصوص پس از قرون میانی اسلامی در این منطقه سنگ‌قبرهایی در اشکال مختلف ایجاد شده که یکی از مهم‌ترین آن، سنگ‌افراشته‌هاست. تاکنون پژوهشگران، مطالعات جامع درباره این آثار فرهنگی انجام نداده‌اند و فرضیه‌های مختلفی درباره علت شکل‌یابی این‌گونه از اشکال سنگ‌قبرها مطرح کرده‌اند. بر همین اساس در پژوهش حاضر نگارندگان در تلاش هستند تا به شیوه مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای که اساس آن به روش توصیفی - تطبیقی و تحلیلی است به پرسش‌های زیر پاسخ منطقی دهند. ۱- ریشه سنگ‌افراشته‌های گورستان اونار به کدام مناطق بازمی‌گردد؟ ۲- شکل و عناصر تزئینی سنگ‌افراشته‌های اونار بیانگر چه مفاهیمی است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سنگ‌افراشته‌های اونار متأثر از پیکره‌های سنگی انسان ریخت آسیای میانه و خاور دور بوده که در قرون میانی اسلامی، وارد فرهنگ منطقه آذربایجان ایران شده است. نتایج دیگر پژوهش بیانگر آن است؛ که این آثار تحت تأثیر تعالیم دین اسلام مبنی بر نفی صورتگری دچار تغییراتی محسوس شده‌اند و شواهدی از مذهب تشیع را به نمایش می‌گذارند. این پیکره‌ها نمونه‌ای از درهم آمیختگی سه فرهنگ آسیای میانه (اقوام ترک‌زبان)، اسلام و ایران را در قالب یک اثر آیینی - مذهبی نشان می‌دهد.

دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۲۵

بازنگری:

۱۴۰۴/۰۱/۱۵

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۱۴

کلیدواژه‌ها:

آذربایجان ایران، گورستان اونار، سنگ‌افراشته، دوران اسلامی، فرهنگ اقوام ترک

* نویسنده مسئول: سعید ستارنژاد

ایمیل: saeidsattarnejad@yahoo.com

تلفن: ۰۹۱۴۸۲۸۹۵۱۲

آدرس: گروه باستان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه

محقق اردبیلی



۱ مقدمه

اشکال سنگی در گورستان‌های این مناطق ضعیف‌ها، کاستی‌هایی و گاهی اوقات تفسیرهای نادرستی مشاهده می‌شود. برای دستیابی به مبانی نظری مناسب درباره این آثار آیینی - اعتقادی، بایستی به روند شکل‌یابی اشکال سنگ‌قبرها و تغییرات اعمال شده در دوره‌های مختلف در یک قلمرو جغرافیایی مشخص، پرداخته شود تا از این راه به نتایج مناسب دست یافت.

گورستان‌های منطقه شمال‌غرب ایران، همانند سایر مناطق در اوایل اسلام به شکل ساده و فاقد سنگ‌قبر بوده است. در این منطقه، پس از ورود ترکان سلجوقی از سده ۵ هجری قمری به بعد در ساختار معماری گورها تغییراتی ایجاد شد که مهم‌ترین آن ایجاد مقابر در اشکال مختلف چون پلان چند ضلعی در مقبره کبود در مراغه، پلان مدور در سه گنبد ارومیه (حاتم، ۱۳۷۸: ۱۱۴)، پلان مربع در گنبد سرخ مراغه (Sattarnezhadet al. 2020) و کلخوران اردبیل (Kleiss. 1969.P. 44) ایجاد شده است. این مقابر عموماً متعلق به اتابکان سلجوقی بوده و گورهای مردم عادی به شکل ساده ساخته شده است. پس از این دوره (سلجوقی) به‌خصوص دوره ایلخانی و تیموری روند مقبره‌سازی تداوم پیدا کرد؛ با این حال در کنار آرامگاه‌سازی، اشکال مختلف سنگ‌قبر، چون گهواره‌ای، صندوقی، پلکانی، پیکره‌سنگی حیوانی و افراشته نیز در برخی از گورستان‌ها شکل گرفت (ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰). این سنگ‌قبرها عموماً با تزیینات متنوعی از نقوش گیاهی، هندسی، کتیبه و ابزارآلات جنگی بود. سنگ‌افراشته‌ها یکی از زیباترین اشکال آثار آیینی - اعتقادی در گورستان‌های شمال‌غرب ایران است. این سنگ‌افراشته‌ها به شکل یک قطعه سنگ تراش‌خورده و بعضاً بدون تراش در قسمت بالای سر متوفی به شکل عمود قرار داده شده است. سنگ‌افراشته‌های تراش‌خورده عموماً دارای تزییناتی چون کتیبه‌نویسی، هندسی، مقرنس‌کاری، نقوش اسلیمی است. در این پژوهش برای نمونه

فرهنگ سنگ‌افراشته بخشی از سنت آیینی - اعتقادی انسان بوده که در مناطق مختلف جهان، در اشکال گوناگون ایجاد شده است. پیکره‌های انسان ریخت یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های سنگ‌افراشته محسوب می‌شود که روی برخی از گورها در مناطقی از مغولستان (Toshio. 2011.P. 21)، قرقیزستان (Hudiakov et al. 2015.P. 112)، ترکیه (Kurtişoğlu. 2018.P. 50)، قبرس (Peler. 190)، اوکراین (Belli. 2016.P. 105-106)، شمال‌غرب ایران و سایر مناطق باقی‌مانده است. در منطقه شمال‌غرب ایران، این فرهنگ از عصر مفرغ جدید آغاز شده و در دوره‌های بعد به خصوص آهن I و II ادامه پیدا کرده است (هژبری نوبری، ۱۳۹۶). تاکنون در منطقه شمال‌غرب ایران نمونه‌های از سنگ‌افراشته در محوطه‌هایی چون شهریری مشگین‌شهر (Dan & Cesaretti. 2020: 68-70)، Inghram&Summers. 1979.P. 68-70)، چهل دختران سراب (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰: ۳۲۵)، ورزقان (هژبری نوبری، ۱۳۹۶: ۳۰۴)، گورستان شادباد مشایخ تبریز (کارنگ، ۱۳۷۴: ۶۱۷)، گورستان اونار مشکین‌شهر (Kleiss. 1969.P. 84)، اهر، موزه آذربایجان و سنگ‌نگاره‌های آق‌آلار و روستای شیخ‌جان مراغه نمونه‌های از سنگ‌افراشته‌های شناسایی و معرفی شده است.

سنت سنگ‌افراشته در دوران اسلامی با وجود محدودیت‌های دین اسلام مبنی بر نفی پیکره‌سازی و تصویرگری با تغییرات محسوس در چهره‌پردازی و اندام حرکتی، در اشکال هیبت انسانی تداوم پیدا کرده است. تاکنون در مناطقی چون باخزر گرگان (لباف خانکی، ۱۳۶۹)، گورستان لرستان (Mortensen. 1996)، گورستان عاشقان کرمانشاه (احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۲)، اونار مشگین‌شهر (Kleiss. 1969.P. 84) و شادباد مشایخ تبریز (کارنگ، ۱۳۷۴: ۶۱۷) نمونه‌های از این اشکال باقی‌مانده است. دقت در مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در ریشه‌شناسی و چرایی شکل‌گیری این



سنگ‌افراشته‌ها را مطالعه کردند. پژوهشگران ایرانی از جمله سیف‌الله کامبخش‌فرد (۱۳۸۰)، جمال ترابی طباطبایی (۱۳۸۷)، صمد پروین (۱۳۹۵)، علیرضا هژبری نوبری (۱۳۹۶)، اسماعیل معروفی‌اقدام (۱۳۹۸) و ستارنژاد و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مطالعات خود به برخی از سنگ‌افراشته‌های این منطقه اشاره کرده‌اند. در این پژوهش‌ها به توصیف سنگ‌افراشته‌ها پرداخته شده و تحلیل مناسب درباره ریشه‌شناختی و علت قرارگیری این آثار در کنار گورها انجام نشده است. بر همین اساس پژوهش حاضر برای نخستین بار به مطالعه و تحلیل سنگ‌افراشته‌های دوران اسلامی گورستان اونار مشگین‌شهر، پرداخته و نتایج آن در شناخت بخشی از فرهنگ سنگ‌افراشته‌ها دوران اسلامی در ایران کمک شایانی خواهد کرد و به‌عنوان اساس مطالعات بعدی در این حوزه قرار خواهد گرفت.

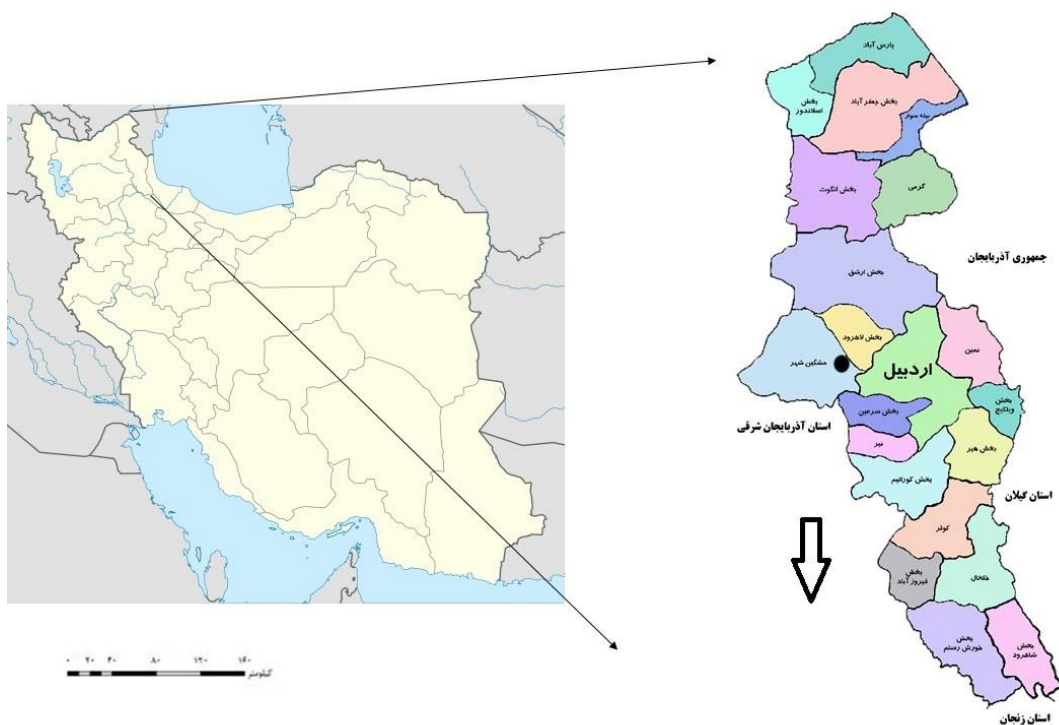
۳ موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

گورستان اونار در روستای اونار از توابع شهرستان مشگین‌شهر در شمال‌غرب ایران واقع شده است (تصویر ۱). این روستا در دامنه شمالی کوهستان سبلان و در فاصله ۲۶ کیلومتری شهر مشگین‌شهر قرار دارد. روستای اونار یکی از روستاهای تاریخی شهرستان مشگین‌شهر بوده؛ که آثار متنوعی از دوره‌های مختلف فرهنگی در آن باقی‌مانده است. نخستین بار نام اونار در کتاب نزهت القلوب نوشته حمدالله مستوفی جغرافیدان و تاریخ‌نویس سده ۸ هجری قمری آمده است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۳۰). مردم این روستا ترک‌زبان بوده و مذهب شیعه دوازده امامی دارند. گورستان اونار در داخل روستای اونار و در مختصات جغرافیایی $38^{\circ}29'48''N$ و $51^{\circ}47'10''E$ قرار دارد. قسمت‌هایی از این گورستان امروزه نیز برای دفن اموات اهالی روستای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سنگ‌افراشته‌های گورستان اونار مورد مطالعه قرار گرفته است؛ علت انتخاب این گورستان برای مطالعه به دلیل داشتن کتیبه (تاریخ) و همچنین نزدیکی به شهر اردبیل است که در قرون میانی اسلامی بیشتر با جریان تشیع و تصوف ارتباط دارد. مطالعات سنگ‌افراشته‌های دوران اسلامی آذربایجان ایران بیشتر به دلیل بازسازی وضعیت دینی - مذهبی ساکنان منطقه در قرون میانی اسلامی حائز اهمیت است. پژوهش حاضر در بازسازی وضعیت اجتماعی و دینی این منطقه در دوره سلجوقی و ایلخانی کمک شایانی می‌کند و از طرفی تأثیرپذیری از سنت‌های تدفینی جوامع آسیای میانه را در دوران اسلامی نشان می‌دهد. به طوری که مهاجرت‌هایی به مناطقی از شمال‌غرب ایران در این دوران انجام شده است. با ورود این اقوام برخی از سنت‌های تدفینی چون قرار دادن سنگ‌افراشته روی گور، به تعدادی از گورستان‌های آذربایجان ایران وارد شد که از نظر شکل ظاهری تشابهات نزدیکی با نمونه‌های مشابه آسیای میانه و خاور دور دارد. روش انجام این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و تطبیقی است. در مرحله اول بر اساس مطالعات میدانی، مستندنگاری‌های لازم چون عکاسی، طراحی و خواندن کتیبه‌ها و نگاره‌ها انجام شد. پس از ارائه توصیفات، اطلاعات به روش تحلیلی و تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۲ پیشینه پژوهش

سنگ‌افراشته‌های دوران اسلامی در شمال‌غرب ایران برای نخستین بار در سال ۱۹۶۹ میلادی توسط هیات آلمانی به سرپرستی ولفرام کلایس مورد بازدید قرار گرفت (Kleiss, 1969, P. 84). چارلز برنی (Burney, 1979)، مایکل لوید اینگراهام و جفری سامرز (Ingraham & Summers 1979)، روح‌الله محمدی (محمدی، ۱۳۸۲) به بررسی شهریری (سنگ‌افراشته) پرداخته‌اند. بعدها روبرت دن (Dan & Cesaretti, 2020)، حمید خانعلی (۱۳۹۶)، این



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی روستای اونار (نگارندگان، ۱۳۹۹)



۴ ویژگی سنگ افراشته‌ها

گورستان اونا ر با خانه‌های روستایی احاطه شده و این گورستان با یک راه روستایی به دو قطعه مجزی تقسیم شده است؛ که قطعه شمالی به ابعاد ۷۰×۶۰ متر و قطعه جنوبی ۷۰×۴۰ متر است (Parvin et al. 2020). در این گورستان سنگ‌قبرهایی در اشکال مختلف چون صندوقی، گهواره‌ای و افراشته باقی‌مانده است. سنگ‌قبرها از نوع سنگ‌های ماسه‌ای و آهکی تراشیده شده و دارای تزیینات از جمله نقوش هندسی، گیاهی، انسانی، حیوانی و کتیبه هستند. سنگ‌قبرها عموماً متعلق به دوره ایلخانی، تیموری و صفوی بوده است. تعدادی از این سنگ‌قبرها به مرور زمان در اثر حوادث طبیعی و عوامل انسانی تخریب شده‌اند. در قسمت جنوبی گورستان تعداد ۳ قطعه سنگ افراشته قرار دارد که در میان مردم روستا از قداست خاصی برخوردارند و بیشتر با نام «سه پیرلر» شناخته می‌شود. در سال‌های اخیر اقداماتی حفاظی چون پوشش ایرانی و فنس‌کشی اطراف این آثار انجام شده است.

همان طوری که گفته شد، امروزه در این گورستان تعداد ۳ قطعه سنگ‌افراشته باقی‌مانده است. در گذشته مشخص نیست که این سنگ‌افراشته‌ها چه تعداد بوده‌اند. در این پژوهش سنگ‌افراشته‌های را به ترتیب ساعتگرد از سمت شمال‌شرقی به سمت جنوب‌غربی با اعداد ۱ تا ۳ شماره‌گذاری شده است. سنگ‌افراشته شماره ۱ در سمت جنوب‌غربی (تصویر شماره ۲)، سنگ‌افراشته شماره ۲ در سمت شمال‌غربی (تصویر شماره ۲) و

سنگ‌افراشته شماره ۳ در سمت جنوب‌شرقی (تصویر شماره ۳) قرار دارد. سنگ‌افراشته شماره ۱: این سنگ‌افراشته به شکل استوانه‌ای با ارتفاع ۱۶۸ سانتی‌متر و عرض ۳۷ سانتی‌متر است. این سنگ‌افراشته از جنس ماسه سنگ به رنگ خاکستری متمایل به سیاه بوده و به خوبی تراش‌خورده است. قسمت فوقانی یا کلاهک به شکل یک کلاه یا عمامه با دوازده ترک ایجاد شده و در قسمت بدنه کتیبه با خط ثلث با مضمون زیر جاری شده است.

«لاله الله محمد رسول الله * اتصل الی جوار رحمہ الله تعالی الخلیفه الخلفا پیره اسماعیل بن سلطان پیره محمد فی سنه احدی و ثمانین». در سطح بدنه تزییناتی چون گل لوتوس یا نیلوفر آبی و محراب با مقرنس‌کاری ایجاد شده است. قاب‌بندی کلی اطراف محراب، این سنگ‌افراشته شباهت بسیاری با قاب‌بندی رایج اطراف محراب‌های دوره ایلخانی دارد. سنگ‌افراشته شماره ۲: سنگ افراشته شماره ۲ در سمت جنوبی سنگ افراشته شماره ۱ و به فاصله حدود ۱ متری از آن قرار دارد. این سنگ افراشته به ارتفاع ۱۶۸ سانتی‌متر و عرض ۴۴ سانتی‌متر به شکل یک استوانه ایجاد شده و جنس سنگ این افراشته از نوع سنگ‌های ماسه‌ای به رنگ خاکستری متمایل به سیاه است. در قسمت کلاهک دارای ۱۲ شیار می‌باشد. در قسمت بدنه شواهدی از نقش یک محراب باقی‌مانده است. این سنگ افراشته بدون کتیبه بوده و تزیینات آن نسبت به نمونه قبلی ساده‌تر است.



تصویر ۲. سمت راست سنگ افراشته شماره ۱ و سمت چپ سنگ افراشته شماره ۲ گورستان اونار (نگارندگان، ۱۴۰۰)

قسمت کلاهک این اثر، همانند دو نمونه پیشین، به شکل یک کلاهک ۱۲ شیار تراشیده شده است (تصویر ۲)؛ که از این نظر می‌توان نوعی اعتقاد مذهبی در تعداد شیارهای آن در نظر گرفت.

سنگ افراشته شماره ۳: این سنگ افراشته در سمت غربی سنگ افراشته‌های شماره ۱ و ۲ قرار دارد. سنگ افراشته شماره ۳ به شکل یک استوانه‌ای با ارتفاع ۱۲۷ سانتی‌متر و عرض ۴۳ سانتی‌متر از سطح زمین است. این سنگ افراشته از جنس ماسه سنگ به رنگ خاکستری سیاه بوده که در سطح بدنه آن نگاره محراب و دور آن تزیینات مثلثی حجاری شده است.

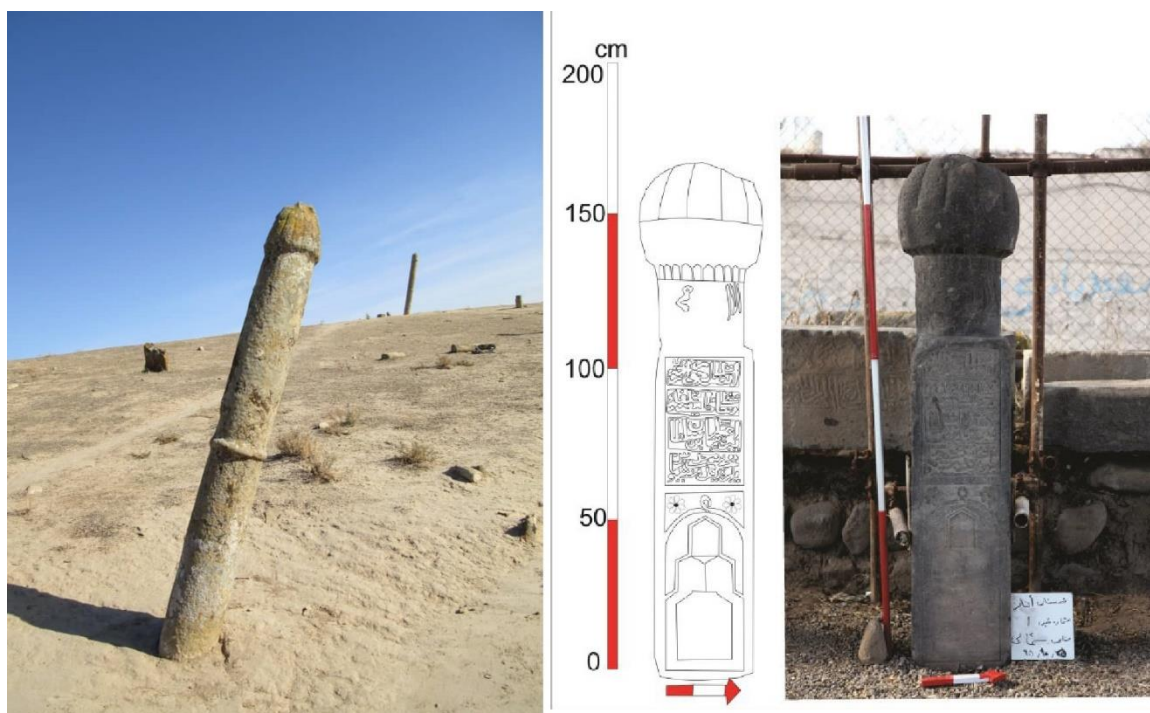


تصویر ۳. سنگ افراشته شماره ۳ گورستان اونار (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۵ تحلیل سنگ افراشته‌های گورستان اونار

سنگ افراشته‌ها از نظر کلیات شکل ظاهری، عموماً به شکل یک تخته سنگ تراش خورده و در بعضی موارد بدون تراش بوده است. با این حال دقت در عناصر تزیینی و جزییات تراش، تفاوت‌های محسوسی میان آن‌ها قابل مشاهده است. سنگ افراشته‌هایی که تراش بهتر دارند عموماً متعلق به اشخاص با پایگاه اجتماعی بالایی است. در این سنگ افراشته‌ها عناصر هنری و حتی کتیبه نیز به خوبی تراشیده شده که نمونه‌هایی بارز آن در سنگ افراشته‌های اونار قابل مشاهده است. سنگ افراشته‌های ایران را به‌طور کلی از نظر شکل ظاهری به سه دسته کلی می‌توان تقسیم کرد؛ هرچند که در جزییات تفاوت‌های نسبت به هم دیگر دارند. ۱- سنگ افراشته‌های که به صورت یک میل

استوانه‌ای بوده و قسمت فوقانی آن بدون تراش است. ۲- سنگ افراشته‌هایی که قسمت فوقانی آن‌ها تراش جزیی دارد. ۳- سنگ افراشته‌هایی که در قسمت فوقانی دارای تراش به شکل کلاهک بوده که از این نظر قابل مقایسه با نمونه‌های از آناتولی است که ریشه آن به مناطقی از آسیای میانه و مغولستان بازمی‌گردد (Kurtişoğlu. 2018). دقت در این عناصر نشان می‌دهد که سنگ افراشته‌های دسته دوم در مناطقی شکل گرفته‌اند که عموماً از نظر قومی و زبانی در زیرمجموعه گروه‌های زبانی ترکی قرار دارند (ستارنژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۱). نمونه‌های از این‌گونه سنگ افراشته‌های در گورستان‌های شادباد مشایخ تبریز (کارنگ، ۱۳۷۴: ۶۱۷)، اونار مشکین‌شهر (Kleiss. 1969.P. 84)، گورستان خالد نبی (Stronach & تصویر ۴)، گورستان خالد نبی (Royce. 1981.P. 147-150) و روستای شیخ‌جان مراغه باقی‌مانده است.



تصویر ۴. سمت راست؛ سنگ افراشته اونار مشکین شهر (پروین، ۱۳۹۵)؛ سمت چپ سنگ افراشته گورستان خالد نبی (نگارندگان، ۱۳۹۹)



ایران تاثیر باورهای دین اسلام سبب حذف شمایل انسانی در این اجسام شده و تنها کلیات پیکره انسان ریخت را حفظ کرده است.

در مناطقی از قرقیزستان (Hudiakov et al. 2015.P. 112)، ترکیه (Kurtişoğlu. 2018.P. 50)، قبرس (Peler. 2017.P. 190) اوکراین (Belli. 2016.P. 105-106)، مغولستان (Alyimaz & Alyilmaz. 2017.P. 315) و غیره نمونه‌های بسیاری از سنگ‌قبرها باقی‌مانده است. ریشه قرار دادن پیکره و به‌طور کلی سنگ‌های افراشته منقوش روی گورها با باورهای شمنی در ارتباط بوده است. در دوران پیش از تاریخ، شمن‌ها بر روی سنگ‌های افراشته تصاویری حک می‌کرده‌اند. نمونه‌های باقی‌مانده از سنگ‌افراشته روی برخی از گورهای دوران پیش از تاریخ مناطقی از شمال غرب ایران، ترکیه، قفقاز، شرق دور و سایر مناطق یادآور چنین اعتقاداتی است. در اعتقادات شمنی و اقوام آسیای میانه، میان روح و سنگ ارتباطی نزدیک وجود دارد. یکی از کارکردهای مهم سنگ در گذشته، عملکرد آیینی آن در حکم نگهبانان مزار (یونگ، ۱۳۵۲: ۳۷۰) و نمایانگر روح اجدا است (Berkli. 2012.P.34) بنابراین برای سنگ‌ها اولوهیت مرموز و اسطوره‌ای قائل بودند (استوتلی، ۱۳۹۰: ۱۵). در دوره‌های بعدی این پیکره‌ها به منظور یاد و خاطره قهرمانان و جنگجویان کشته شده روی گور قرار داده شده است. ابن فضلان مورخ سده ۹ میلادی رسم قراردادن مجسمه روی گورها را میان ترک‌های اوغوز و خزر چنین نقل کرده است: «... هرگاه در زمان حیاتش کسی را کشته و شخص شجاعی بوده، به تعداد کسانی که به دست او کشته شده‌اند پیکره‌های انسانی از چوپ تراشیده در قبرش می‌گذارند و می‌گویند این‌ها غلامان او هستند و در بهشت به او خدمت می‌کنند» (ابن فضلان، ۱۳۴۵: ۷۵). به این ترتیب می‌توان اظهار کرد شباهت‌های میان سنگ‌افراشته‌های اونا و آسیای میانه نشانگر تعلق آن‌ها به یک جامعه واحد با اعتقادات نزدیک به هم است و این جامعه خود نیز بخشی از فرهنگ

این سنگ‌افراشته‌ها از نظر عناصر تزئینی تفاوت‌های نسبت به هم‌دیگر دارند که ریشه در تفاوت‌های اعتقادی و مذهبی طراحان آن‌هاست؛ به‌طوری که سنگ‌افراشته‌های اونا دارای عناصر تزئینی و نمادینی چون دوازده ترک، محراب، گل لوتوس ۷ برگ و اصطلاحاتی چون خلیفه‌الخلافت است. منطقه آذربایجان ایران در دوران اسلامی با عنوان پایتخت اتابکان آذربایجان و ایلخانیان مغول از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. از این دوره‌ها در این منطقه آثار زیادی باقی‌مانده است که بخش مهمی از آن را فضاهای مذهبی به خصوص آرامگاه‌ها تشکیل می‌دهد. بناهای آرامگاهی ایران بنا به نظر برخی از پژوهشگران ریشه در سنت‌های آسیای میانه دارد، به طوری که پس از ورود ترکان سلجوقی به منطقه آذربایجان ایران بناهای آرامگاهی در اشکال متنوع ایجاد شد. این بناها از نظر شکل ظاهری به چادرهای اقوام ترک زبان آسیای میانه شباهت زیادی دارد (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۲۶۷). در کنار مقبره‌سازی، در منطقه شمال غرب ایران پس از دوران سلجوقی به‌خصوص ایلخانی، تیموری و صفوی اشکال مختلفی از سنگ‌قبرها شکل گرفت که شباهت‌های با نمونه‌های مشابه در منطقه آسیای میانه دارد. پراکندگی سنگ‌مزارها در مناطق مختلفی از شمال غرب ایران، جمهوری آذربایجان، ترکیه و قسمت‌های از گرجستان نشان از اعتقادات نزدیک به هم دارد که ریشه در سنت واحد است.

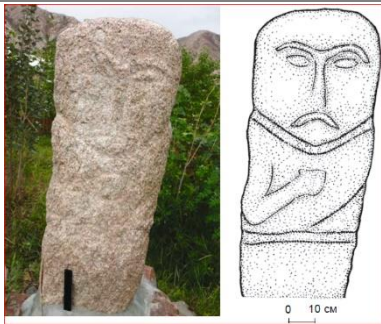
سنت قرار دادن سنگ‌افراشته نیز همانند سایر اشکال سنگ‌قبرهای دوران اسلامی به خصوص سنگ‌قبرهای کوچ شکل به مناطقی از آسیای میانه بازمی‌گردد. در سده میانی اسلامی با ورود اقوامی از آسیای میانه به سایر مناطق به خصوص شمال غرب ایران، تاثیرات فرهنگی عمیقی در این منطقه برجای گذاشتند که بخش مهمی از آن مربوط به سنت‌های تدفین و اشکال سنگ‌قبرهاست. سنگ‌افراشته‌های این منطقه، همانند گورستان‌های هم‌تای آسیای میانه یادآور پیکره انسانی است. با این حال در شمال غرب

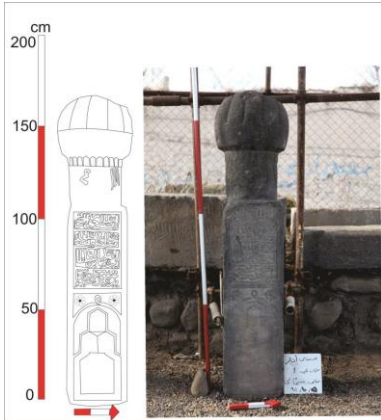


از پذیرش دین اسلام بخشی از فرهنگ ساختار معماری گورهای این اقوام نیز متأثر از آموزه‌های دین اسلام شد بر همین اساس کلیات سنگ‌افراشته که یادآور پیکره انسانی باشد، را در ماهیت خود حفظ کرده است با این حال در جزییات چهره و اندام تغییرات ایجاد و این قسمت‌ها به طور کامل حذف شده‌اند (جدول ۱).

گسترده‌ای است که بقایای فرهنگ مادی آن را در مراکز دیگری چون آسیای میانه، جمهوری آذربایجان و ترکیه می‌توان دید. از طرف دیگر تفاوت‌های میان آن‌ها ناشی از تفاوت در مذهب (قوانین دین اسلام مبتنی بر نفی تصویرسازی) و موقعیت اجتماعی ساکنان و دفن شدگان در آن‌هاست؛ بنابراین با ورود اقوام ترک زبان از آسیای میانه به این منطقه پس

جدول ۱ نمونه‌ای از سنگ‌افراشته‌ها در مناطق مختلف آسیا (نگارندگان، ۱۳۹۹)

منطقه	تصویر	محل قرارگیری	آرایه	آیین	منبع تصاویر
قرقیزستان		کنار گور	پردازی، اندام چهره حرکتی، بدون نوشتار	شمی	Hudiakov et al. 2015.P. 112
قبرس		کنار گور	از دو قسمت سر (کلاهک) و بدن تشکیل شده است.	مسیحیت	Peler. 2017.P. 189
ترکیه		کنار گور	کلاهک به شکل عمامه، آیات قرآنی، خطوط عربی، بدون چهره‌پردازی و اندام حرکتی	اسلام	Kurtişoğlu. 2018.P. 50

منطقه	تصویر	محل قرارگیری	آرایه	آیین	منبع تصاویر
اونار مشکین شهر		کنار گور	کلاهک به شکل عمامه با ۱۲ ترک، آیات قرآنی، خطوط عربی، بدون پردازی، چهره مایه محراب و نقش گل ۷ پر	اسلام	پروین، ۱۳۹۵

در قسمت بدنه سنگ افراشته، کتیبه‌ای با خط ثلث با مضمون «اتصل الی جوار رحمہ اللہ تعالیٰ الخلیفہ الخلفا پیرہ اسماعیل بن سلطان پیرہ محمد فی سنہ احدی و ثمانین» حک شده است. تاریخ سنگ قبر متعلق به دوران ایلخانی است. منطقه آذربایجان به خصوص نواحی اردبیل در دوران ایلخانی به دلیل وجود شخصیت معنوی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، یکی از کانون‌های مهم مذهب تشیع بوده است. در این منطقه پیروان شیخ صفی به تبلیغ رسالت معنوی خود می‌پرداختند. اصلاح خلیفہ‌الخفا نیز مهر تایید بر عقاید مذهبی طراحان این سنگ‌افراشته‌ها دارد. مقام خلیفہ الخلفایی در تصوف به این شکل بوده که در فرقه صوفیه سالکان راه حق، با پشت سر گذاشتن مراحل به تدریج با دور شدن از بدی‌ها و رها کردن صفات بشری می‌توانند به هدف والای خویش یعنی تجلی به ذات خداوندی نائل شوند و سیر الی اللہ را به پایان ببرند. در این مرحله عارف سزاوار مقام خلافت الهی در زمین و مصداق آیه شریفه «و هُوَ الَّذی جَعَلَکُمْ

عناصر تزیینی ایجاد شده روی سنگ‌افراشته‌های اونار، ریشه در اعتقادات مذهبی سازندگان و دفن شدگان دارد. عناصری چون دوازده شیر روی قسمت فوقانی، عبارت «خلیفہ الخلفا» و گل لوتوس به شکل عامدانه روی این سنگ‌قبرها حجاری شده است. در قسمت فوقانی این سنگ‌افراشته‌ها دوازده شیر ایجاد شده است. این دوازده شیر در حقیقت یادآور کلاه دوازده ترک قیزیل باش‌هاست. در تاریخ ایران، «قیزیل باش‌ها» به دلیل اعتقادات خود به ۱۲ امام (مذهب تشیع) کلاه دوازده ترک یا تاج حیدری بر سر می‌گذاشتند (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۹) بنابراین تاج قزلباشی نقش و کارکرد سیاسی، دینی و اجتماعی داشت و به نوعی نشانه و نماد تشیع در مقابل تسنن بوده است (سیدبنکدار، ۱۳۹۵: ۲۰۳-۲۰۲). آنچه ارتباط معنادار دوازده شیر سنگ‌افراشته‌های این گورستان را با مذهب تشیع را نشان می‌دهد؛ برهمین اساس عناصر تزیینی، نمادین و نشانه‌شناسی آرایه‌های این سنگ‌افراشته‌ها ارتباط عمیقی با باورهای مذهبی این منطقه به خصوص تشیع دارد. در شمال غرب ایران روند شکل‌یابی تشیع عموماً به دوران ایلخانی که متأثر از آموزه‌های شیخ صفوی اردبیلی بازمی‌گردد و توسط نوادگان شیخ صفی با عنوان دین رسمی انتخاب شده است.



نشانی از «کسوت» شیخ صفی است بر سر کسی بگذارد و در سلسله مراتب طریقت صفوی وارد شود. خلیفه الخلفا یکی از اعضای گروه «اهل اختصاص» بود که نقشی مؤثر در هدایت و رهبری جنبش صفوی، بویژه از زمان ریاست طریقت اسماعیل صفوی تا آغاز حکومت وی (۹۰۷-۸۹۹)، داشتند (رنجبر، ۱۳۷۸: ۴-۳).

تحلیل مفاهیم نمادین و نشانه‌شناسی نگاره‌های حجاری شده روی این سنگ‌قبرها نشان می‌دهد که طراحان این آثار اعتقاد راسخ نسبت به بهشت و طبقات هشت‌گانه آن داشته‌اند؛ به‌طوری که در تمامی سنگ‌مزارها، نقش محراب به عنوان کادر به دور سنگ‌مزار نقش شده است. محراب جزو محدود اشکال نمادینی است که می‌توان یکسره آن را با دلایل مذهبی و عارفانه توضیح داد و در اکثر سنگ‌مزارهای منطقه آذربایجان ایران این نوع نقش وجود دارد. در سنگ‌افراشته‌های اونا، نقش‌مایه محراب در کنار گل‌لوتوس حجاری شده است (تصویر ۶). محراب را به این دلیل محراب می‌گویند که در آنجا محاربه و جنگ شیطان و هوای نفس با عقل است و چون باید در چنین جایی آدمی خود را از مشغله‌های دنیوی رها کند (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۷۵). معنی دیگر محراب دوری و از دیگران جدا بودن است (سجادی، ۱۳۷۵: ۴۶). قرآن محراب را مفهومی فراتر از زاویه‌ی نیایش یا گوشه‌ای خاص که مبین قبله باشد می‌داند (بلخاری، ۱۳۹۰: ۳۷۶). محراب با طاق‌های نمودار آسمان و کف آن بر زمین همانند غار دنیاست، غار دنیا مظهر الوهیت است (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۹۷). محراب همانا کعبه است و مؤمنی که در محراب جهان نماز می‌گذارد در آن لحظه چنین تصور می‌کند که تمام فاصله‌ها از میان رفته‌اند (همان: ۱۸). به عقیده سنت‌گرایان شکل معماری محراب بازتابی از حقیقت آسمانی و هویت روحانی آن با استناد به آیه مشهور سوره‌ی «نور»^۲

خَلَائِفُ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضُكُم فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ...^۱ است و عارف و سالک به مقام خلافت باطنی در زمین نائل می‌شود. درباره خلافت باطنی باید اظهار داشت، صوفیان مقام خلافت را که به معنای جانشینی است بر دو قسم می‌دانند، یکی خلافت صغری که امامت و ریاست ظاهرست و دیگری خلافت کبری که امامت و ریاست باطنی است. صوفیان معتقدند که در طریقت با، طی مراحل می‌توان به مقام خلافت باطنی خداوند در زمین رسید و آنگاه است که بشر به مقام کمال انسانیت می‌رسد (افلاکی العارفی، ۱۳۶۲/۲: ۱۰۳۶). مقامی که مظهر تمام اسماء و صفات خداوندست و عارف چون به این مقام رسید می‌تواند به ارشاد و هدایت خلق بپردازد. بدین ترتیب رهبران و مرشدان طریقت‌های صوفیانه خود را خلفای برحق خداوند در زمین می‌دانند و با ساخت زاویه‌ای و گردآوردن مریدان به هدایت و ارشاد آن‌ها همت می‌گمارند و آنگاه در جریان گسترش حوزه تعلیم و ارشاد از جانب خود خلفایی را برمی‌گزینند و به آنها القابی اعطا می‌کردند، چون ملک الخلفا، سید الخلفا و خلیفه الخلفا (همان، ج ۱: ۲۳۲). به نظر می‌رسد این کلمات به معنای قائم مقام خلفا و رهبر شاخه‌ای از یک فرقه بود. این افراد از سوی شیخ یا مرشد برگزیده می‌شدند و با عنوان جانشین وی در منطقه‌ای خاص و یا پس از مرگ منصوب می‌شدند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۱۱). در تذکره الملوک مهم‌ترین وظیفه خلیفه الخلفا، اداره «توحید خانه» ذکر می‌شود. افزون بر ذکر کلمه طیبه لا اله الا الله، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز برقرار است. در دستور الملوک افزون بر امور توحیدخانه، به اختیار خلیفه الخلفاء در تعیین «خلیفه و مرشدی که به... ایلات و احشامات ولایت به جهت ارشاد خلایق و امر به معروف و نهی از منکر» فرستاده می‌شود، اشاره دارد و می‌افزاید تنها اوست که می‌تواند «تاج» را که

۱. قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۶۵.

۲. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ

مِصْبَاحٌ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ نَشَاءُ وَ نُصِرْتُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (سوره‌ی نور، آیه: ۳۵) (خدا)

(درونی) و دنیای طبیعی و شیطانی (بیرونی) باشد. درگاه نماد ارتباط دنیای مردگان و زندگان بوده و گشوده شدن این درب مقدس، نشانه باز شدن درب‌های بهشتی است که روح با گذر از دنیای کفر و اهریمنی وارد آن می‌شود و در فرهنگ اسلامی نیز پیامبر (ص) و ائمه معصوم، دروازه‌های بهشت را به روی مؤمنان می‌گشایند و در آستانه نشانه‌ای از ورود انسان به دو عالم زمین و آسمان است. حضور فرشتگان، آیات و احادیث در داخل این درگاه‌های محرابی، معنای پربارتری به این دروازه‌ها که محل گذر انسان از دنیای فانی به جهان باقی است، می‌بخشد.

است (بلخاری، ۱۳۹۰: ۳۷۷). نصر، حقیقت مهم جهان را در تبلور نور در فضای معماری می‌داند و حقیقت انسان را در طلب نوری می‌داند که رمز حضور الهی است (نصر، ۱۳۸۹: ۶۳). محراب از عناصر اصلی مسجد و در تمامی ادیان به‌عنوان جایگاه تجلیات محسوب می‌شود، این امر یک نماد اصیل اسلامی است و ریشه در نصّ قرآن دارد. محراب محلی برای درخشش پرتو الهی و دروازه‌ای به سوی بهشت است که این حس و مفهوم از قوسی شکل بودن محراب آشکار است (سجادی، ۱۳۷۷: ۲-۱۲). نماد آن نور بوده و حرکتی از زمین مادی به سوی اعلی است و درگاه می‌تواند مرز دنیای قدسی



تصویر ۶. نقش‌مایه محراب و گل لوتوس (نگارندگان، ۱۳۹۹)

(بروس و فورد، ۱۳۸۸: ۵۶). نیلوفر دارای زیبایی منحصر به فرد و ضمناً نماد و تجلی و نمودی از علائم مقدس و مذهبی است، مفهوم نمادین و اسطوره‌ای نیلوفر (لوتوس) نماد کمال، شکفتن معنوی، خورشید و در نتیجه حیات، بيمرگی، باروری و زایش است.

گل لوتوس، مهم‌ترین نماد باستانی است که در هنرهای آسیایی کاربرد دارد. لوتوس نماد خلقت و هم‌چنین خلوص بوده و به دلیل باز شدن گلبرگ‌های آن هنگام سپیده و بسته شدن آن هنگام غروب آفتاب نماد خورشید و چرخه تولد و نوزایی است

چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد، روشنی بر روی روشنی است، خدا هر که را که بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند و این مثل‌ها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست).

نور آسمان‌ها و زمین است، مثل نور او چون چراغ‌دانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه‌ای است آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی افروخته می‌شود، نزدیک است که روغنش هر



۶ نتیجه گیری

سنگ‌افراشته‌ها یا پیکره‌های انسان ریخت، ریشه در تفکر آدمی نسبت به آخرت دارد. آنچه در متن مقاله به آن پرداخته شد؛ سنگ‌افراشته‌ها بنا به باورهای برخی از جوامع انسانی آسیای میانه به زندگی و مرگ شخص متوفی ارتباط تنگاتنگی دارد. این سنگ‌افراشته‌ها در مناطقی از آسیای میانه به منظور کشته شدن افرادی که توسط شخص متوفی در گور، در زمان حیاتش دارد. با ورود گروه‌های از اقوام ترک‌زبان و مغول آسیای میانه به منطقه شمال‌غرب ایران، برخی از سنت‌های تدفینی این اقوام نیز به این منطقه رسوخ نموده است؛ با این حال این سنت‌ها متأثر از اعتقادات و سنت‌های دین اسلام قرار گرفتند. سنت قرار دادن سنگ‌افراشته بر روی گورها نیز متأثر از باورهای اسلام دچار تغییراتی شد که براساس آن چهره‌پردازی و تراش اندام انسانی در این پیکره‌ها به‌طور کامل حذف شد و تنها شکل کلی انسان باقی‌مانده است. دقت در عناصر تزئینی و تراش سنگ‌افراشته‌های گورستان اونا را نشان می‌دهد که این پیکره‌ها دقیقاً نشانگر انسانی بوده که کلاهی دوازده ترک که نمادی از ۱۲ امام (مذهب تشیع) را بر سر گذاشته است. براساس این پژوهش مشخص می‌شود که پشینه‌واژه خلیفه‌الخلافت متعلق به دوران ایلخانی بوده که دقیقاً با آموزه‌های شیخ صفی نسبت به تشیع دارد، همچنین مشگین‌شهر و به‌خصوص روستای اونا یکی از کانون‌های مهم پیروان شیخ صفی در گسترش تشیع در منطقه آذربایجان بوده است. مطالعه و تحلیل عناصر تزئینی چون نگاره‌های گیاهی، محراب، آیات قرآنی نشان می‌دهد که این طراحان و استفاده‌کنندگان این آثار ضمن اینکه به سنت‌های گذشتگان خود (سنت‌های آسیای میانه/ باورهای شمنی) پایبند بوده‌اند، آموزه‌های اسلام به‌خصوص مذهب تشیع را نیز پذیرفته‌اند و به جهان آخرت و بهشت برین که محراب دروازه و گل هفت پر نمادی از ۱۴ معصوم بوده اعتقاد راسخ داشته‌اند. به‌طور کلی این آثار

هفت پر آن که مجموع ۱۴ پر می‌باشد به نظر با باورهای مذهبی تشیع به ۱۴ معصوم نیز ارتباط تنگاتنگی می‌تواند داشته باشد.

مطالعه و تحلیل نشانه‌شناسی آرایه‌هایی ایجاد شده بر روی سنگ‌افراشته‌ها هدف طراحان که همان مذهب تشیع و اعتقاد به بهشت برین است را به‌خوبی نشان می‌دهد. به‌طور کلی صوفیه به پیروان طریقه تصوف گفته می‌شود که از طرق ریاضت و تعبد، طالب راه یافتن به حق و حقیقت هستند. در دوره صفویه، تصوف وارد مرحله جدیدی شد. سلطان حیدر (پسر سلطان جنید) برای آنکه صوفیان و مریدان صفوی را از دیگران ممتاز و مشخص کند، طایفه ترکمانی را از سر ایشان برداشت و به تاج سرخ دوازده ترک تبدیل کرد و به همین سبب آنان را از این تاریخ «قزلباش» نامیدند. سپس عنوان صوفی و قزلباش با یکدیگر مترادف شدند. صوفیان از دیگر طوایف قزلباش به شاه نزدیک‌تر، و نسبت به او فداکارتر بودند. رئیس تمام صوفیان خلیفه‌الخلافت لقب داشت و این مقام یکی از مقام‌های بزرگ بود (حیدری، ۱۳۸۹: ۶۷). استفاده از سنگ‌افراشته با دوازده ترک را می‌توان دلیل نشان دادن مذهب شخص متوفی از راه تقیه (به معنی خودداری از اظهار عقیده و مذهب خویش در مواردی که ضرر مالی یا جانی و یا عرضی متوجه شخصی باشد) بوده است. در تاریخ ایران بعد اسلام، حکومت‌های غیر شیعی چنان خشونت و ظلمی نسبت به شیعیان اعمال می‌کردند که آنان و بزرگان‌شان، برای حفظ جان و مال و ناموس خود، مجبور به تقیه می‌شدند. استفاده از سنگ‌افراشته با دوازده ترک را می‌توان دلیل نشان دادن مذهب شخص متوفی از راه تقیه (به معنی خودداری از اظهار عقیده و مذهب خویش در مواردی که ضرر مالی یا جانی و یا عرضی متوجه شخصی باشد) بوده است.



۷ تقدیر و تشکر:

هیچ پشتیبانی مالی وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

حاتم، غلامعلی، ۱۳۸۷، معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقی، تهران: جهاد دانشگاهی.

حاجیان، فاطمه، ۱۳۸۸، نقش مقام خلیفه الخلفایی در شکل‌گیری حکومت صفوی و سیر این مقام تا دوره شاه عباس اول، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

حیدری، اصغر، ۱۳۸۷، تحلیلی پیرامون مذهب و سیادت شیخ صفی الدین اردبیلی جد بزرگ پادشاهان صفوی: نشریه تاریخ معاصر ایران، شماره ۴۶.

حیدری، اصغر، ۱۳۸۹، مذهب شیخ صفی الدین اردبیلی: نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۸.

خانعلی، حمید، ۱۳۹۶، تحلیلی بر روابط فرهنگی شمال غرب ایران و قفقاز براساس مطالعه موردی سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت به دست آمده از مطالعات باستان‌شناسی محوطه نیایشگاه شهریری استان اردبیل، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

دایره المعارف تشیع، «تصوف»، جلد ۴، زیر نظر احمد میر حاج سید جواد، تهران.

رنجبر، محمدعلی، ۱۳۷۸، منصب خلیفه خلفا در دوره صفوی، مجله گنجینه اسناد، شماره ۳۳ و ۳۴.

ستارنژاد، سعید، عزیزی، شیما، نریمانی، مصیب، ۱۴۰۰، گونه‌شناختی، طبقه‌بندی و تحلیل سنگ‌مزارهای اسلامی شمال غرب ایران

نشانگر تأثیر و تاثیرات سه فرهنگ ترک، اسلام (تشیع) و ایرانی بوده که در قالب یک اثر مذهبی واحد به زیبایی خودنمایی می‌کند.

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، تهران: اندیشه هادی.

اسماعیلی، صغری، ۱۳۸۵، پژوهشی در سکه‌ها و مهرهای شاهان صفوی، پژوهشکده زبان و گویش، تهران.

افلاکی العارفی، شمس الدین احمد، ۱۳۶۲، جلد ۱، گولپینارلی، عبدالباقی، مولویه بعد از مولانا، ترجمه دکتر توفیق سبحانی، تهران: کیهان.

افلاکی العارفی، شمس الدین احمد، ۱۳۶۲، مناقب العارفین، جلد ۲، تصحیح تحسین یازجی، تهران: دنیای کتاب.

آموزگار، ژاله و تفضیلی، احمد، ۱۳۷۰ آ اسطوره زندگی زردتشت: بابل، نشر کتابسرا.

بروس، میراندا؛ فورد، میت، ۱۳۸۸، نمادها و نشانه‌ها در جهان، ترجمه ابوالقاسم دادور، تهران: دانشگاه الزهرا.

بلخاری، حسن، ۱۳۹۰، مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، تهران: سوره مهر، چاپ دوم.

بورکهارت، تیتوس، ۱۳۶۵، هنر مقدس و اصول و روش‌ها، ترجمه و تدوین امیر نصیری، تهران: حقیقت.

پروین، صمد، ۱۳۹۵، مطالعه و بررسی سنگ‌قبرهای مشکین‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

ترابی طباطبایی، سید جمال، ۱۳۸۷، آثار باستانی اردبیل، تبریز: مهد آزادی.



لباف خانیکی، رجبعلی، ۱۳۶۹، سنگ‌افراشته‌های
باخزر، اثر، دوره ۱۱، شماره ۱۸ و ۱۹، صص
۹۳-۱۱۲.

مزاوی، میشل، ۱۳۶۳، تاریخ ایران دوره صفویان
(دانشگاه کمبریج)، ترجمه یعقوب آژند،
تهران: جامی.

مستوفی، حمدالله، ۱۳۸۱، نزهت القلوب، سیاقی
دبیری، تهران.

نصر، سید حسین، ۱۳۸۶، سنت و عقلانیت و دیانت
در گفتگوی با دکتر سید حسین نصر، مجله
هفت آسمان، سال نهم، بهار، شماره ۳۳،
صص ۳۷-۸.

هژبری نوبری، علیرضا، ۱۳۹۶، گزارش بررسی
محوطه‌های عصر مفرغ جدید و آهن
شهرستان ورزقان، تهران: پژوهشکده میراث
فرهنگی ایران.

هیلن براند، رابرت، ۱۳۸۰، معماری اسلامی شکل
کارکرد معنی، ترجمه باقر آیت‌الله زاده
شیرازی، تهران: روزنه.

یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۵۲، انسان و سمبل‌هایش،
ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: سپهر.

(مطالعه موردی دوره ایلخانی تا پایان دوره
صفویه)، مجله نگره، (پذیرش شده).

ستارنژاد، سعید، علی اکبر راه‌چمنی، صمد پروین،
۱۳۹۹، مطالعه طبقه‌بندی و گونه‌شناسی
سنگ‌مزارهای دوران ایلخانی تا قاجار در
ایران، مطالعات باستان‌شناسی دوران
اسلامی، سال ۱، شماره ۲، صص ۹۳-۱۲۴.

سیدبنکدار، سیدمسعود، ۱۳۹۵، بررسی جایگاه و
عملکرد تاج قزلباش در تحولات سیاسی
دوره صفوی، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال
۱۴، شماره ۵۶، صص ۲۱۸-۱۹۵.

شاملو، ولی قلی‌بن‌داوود قلی، ۱۳۷۱، قصص
الخاقانی، تصحیح و پاورقی سید حسن
سادات ناصر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی.

طباطبایی، سید محمد، ۱۳۶۶، تفسیر المیزان، جلد
۳، ترجمه هیأت مترجمان، تهران: چاپ
دوم رجا.

کارنگ، عبدالعلی، ۱۳۷۴، آثار و ابنیه تاریخی
شهرستان تبریز، تهران: انجمن آثار و
مفاخر.

کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۸۰، آثار تاریخی ایران،
تهران: پژوهشکده میراث فرهنگی ایران.

منابع لاتین

AĞASIOĞLU, F. (2013). Daş Baba. Ağasioğlu
Yayınları, Bakü.

ALYILMAZ, C., & ALYILMAZ, S. (2017).
İĞDIR VE ÇEVRESİNDEKİ KOÇ
HEYKELLİ MEZAR TAŞLARININ
ÜZERLERİNDEKİ ARAP HARFLİ
YAZITLAR. Türk Dünyası Dil ve
Edebiyat Dergisi, (43), 305-345.

Belli, O. (2016). Stone Statues and Balbals
in Turkic World. TÜBA-AR, 6(1).

Berkli, Y., 2012. Azerbaijan-Bakü'de
Bulunan İnsan Heykel Biçimli

Mezar Taşları ve Orta Asya-
Azerbaycan-Anadolu İlişkisi. Türk
Kültürü ve Hacı Bektaş Velî
Araştırma Dergisi, (61).

Burney, C. A (1979). Survey of Excavations
in Iran 1978. (Meskinshahr
Survey). Iran, 17(1), 143-159.

Çetin, Y. (2015). Ağrı Mezar Taşlarında
Form ve Bezeme Unsurları. The
Journal of Academic Social Science
Studies, 40, 87-105.



- Dan, R., & Cesaretti, A. (2020). The "Mouthless People": Some Remarks on the Shahr Yeri Statue-Stela Complex, Iran. *Iran and the Caucasus*, 24(4), 347-357.
- Hudiakov, Y. S., Tabaldiev, K. S., Borisenko, A. Y., & Orozbekova, Z. (2015). Ancient turkic stone statues at Tuura-Suu, Kyrgyzstan. *Archaeology, Ethnology and Anthropology of Eurasia*, 43(2), 109-115.
- Ingraham, M. L., & Summers, G. (1979). Stelae and settlements in the Meshkin Shahr plain, northeastern Azerbaijan, Iran. *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*, 12, 67-102.
- Kurtişoğlu, G. A. (2018). SADELİK TEN GÖSTERİŞE EDİRNE OSMANLI DÖNEMİ MEZAR TAŞLARI. *Trakya Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Dergisi*, 8(16), 32-56.
- Mortensen, I., 1996. Nomad Iconography on Tombstones from Luristan, Iran. *Scripta Instituti Donneriani Aboensis*, 16, pp.219-228.
- Parvin, C., Afkhami, B., & Hendiani, E. (2020). INVESTIGATING AND ANALYZING THE MOTIFS OF THE TOMBSTONES OF THE OUNAR CEMETERY. *Краткие сообщения Института археологии*, (259), 398-410.
- Peler, G. Y. 2017., Aya Androniko'nun İslami Balbaları: Kıbrıs Yeşilköy'de Bulunan Bazı Mezar Taşları Üzerine Toplum-Dilbilimlik Düşünceler. *İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi*, 57(57), 179-196.
- SATTARNEZHAD, S., PARVIN, S., & HENDIANI, E. (2020). THE SYMBOLOGY OF SWASTIKA IN THE GONBAD-E-SORKH TOMB. *Codrul Cosminului*, 26(1).
- Stronach, D. William R. Royce (1981). Standing Stones in the Atrek Region: The Hālat Nabī Cemetery. *Iran*, 19(1), 147-150.
- Toshio, H. (2011). On the Origin of Turkic Stone Statues. *欧亚学刊 (国际版)*.